



آتش جنگ و سکوت چینی ها

یادداشتی از احمد زیدآبادی
درباره بازیگر غایب تحولات خاورمیانه



دانشگاه؛ از بنی صدر تا پزشک‌کیان

بازخوانی مواجهه رؤسای جمهور پس از انقلاب
با اعتراضات دانشجویان



آینده با نسل زد

یادداشتی از محمد رهبری درباره نظرسنجی آسیبا
از وضعیت رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی



رفع فیلترینگ و FATF شرط بهبود اقتصاد

بررسی اظهارات اخیر وزیر اقتصاد و دستیار اجتماعی رئیس‌جمهور

رخداد قضایی ۱۱

پرونده‌ای با ۶۳ متهم کیفرخواست چای دیش صادر شد

سرمقاله

قوت و ضعف دادرسی قضایی

فرض کنید کسی به دلیل اختلافات مالی با شریک خود مجادله و دعوا می‌کند و ناخواسته او را می‌کشد. قاتل و مقتول پدر و خانواده هستند. دستگاه قضایی بر حسب قانون، قاتل را محاکمه و در نهایت هم به اتهام قتل عمد حکم قصاص صادر می‌شود. دادگاه کار دیگری نمی‌تواند انجام دهد. ولی در این میان، دو نفر جان باخته‌اند و دو خانواده نیز متلاشی شده‌اند. جامعه هم زخم خورده است. در این میان، گریزی هم از دادرسی و مجازات نیست و ایرادی به دادرسی قانونی نیست. پس آیا کار حکومت با صدور این حکم تمام شده است؟ قطعاً خیر. شاید حل اختلافات مالی آن دونفر از طریق روش‌های قضایی و حقوقی سخت و محال بود که کار به درگیری شخصی رسید. یا تغییر در مقررات دولتی آنان را دچار اختلاف کرده باشد. یا آموزش ندیده‌اند که چگونه اختلاف خود را حل کنند. دلایل گوناگونی وجود دارد که باید رسیدگی کرد و درس گرفت و مانع چنین رویدادهایی شد. همه اینها در قالب پیشگیری از جرم و مطابق قانون اساسی و وظیفه حکومت است. قانون پیشگیری از جرم مطابق اصل ۱۵۶ قانون پیشگیری از وقوع جرم در سال ۱۳۹۴ تصویب شد. با توجه به این نکات و مقدمات، پس از گذشت حدود دو سال از وقوع فساد چای دیش اکنون دادستان تهران اعلام کرده است که «کیفرخواست پرونده چای دیش صادر شد. برای ۶۳ نفر کیفرخواست صادر شده که بعضی از این افراد کارمند بانک، بعضی کارمند وزارت جهاد کشاورزی، وزارت صمت و سازمان توسعه و تجارت و تعدادی نیز از مدیران و عوامل گروه دیش و شرکت‌های وابسته به آن هستند. اتهامات متهمین اصلی این پرونده، اختلال کلان و عمده در نظام اقتصادی و ارزی کشور، معاونت در این اتهام، تحصیل مال نامشروع و همچنین پرداخت و اخذ رشوه است. در پرونده مذکور، علاوه بر مسائل و تخلفات ارزی گروه دیش، بیش از ۳۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات بانکی بدون ضوابط و مقررات در اختیار این گروه گذاشته شده است. تاکنون اموالی که از متهم اصلی این پرونده شناسایی و توقیف شده، حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان است.» اگر تصویری علمی نسبت به پیشگیری از جرم وجود داشت، کار به جایی نمی‌رسید که در قطعی ارز کشور با یک پرونده ۳/۷ میلیارد دلاری مواجه شویم که اموال توقیف‌شده از متهمان آن کمتر از ۷ درصد کل مبلغ اتهامی است. همچنین، حداقل ۶۳ نفر از چند نهاد مهم دولتی در این جرم مشارکت داشته‌اند و اتهام هم بسیار سنگین و مستوجب اشد مجازات است؛ آن هم در دولت آقای رئیسی که پیش از آمدن به دولت، دادگاه‌های ضدفساد راه انداختند و مسئولیت اجرای قانون پیشگیری از وقوع جرم نیز با خودش بوده است و قرار بود دولتی ضدفساد و عاری از آن تحویل دهد؛ ولی نتیجه آن شد که رکورد همه فسادهای قبلی را شکستند. متأسفانه در جریان این دادرسی نیز دستگاه قضایی بسته عمل می‌کند.

چهره روز ۲۰۳

موج شایعات
با حضور
اسماعیل قآنی
فرمانده نیروی
قدس سپاه در
مراسم تشییع شهید
نیل‌روشان فروخت



بازگشت سرداد

وزیر جنگ اسرائیل: به دنبال جنگ جدید نیستیم

یک نماینده تندرو درباره
ظریف اولتیماتوم داد
**تهدید
پزشکیان
به برکناری
و محاکمه**

نگاه تحلیلی

راهبرد شرایط شبه جنگی



حمیدرضا جلایی پور

جامعه‌شناس و فعال سیاسی اصلاح طلب

در شرایط فعلی و تا پس از انتخابات آمریکا و یا تا آتنس در غزه و لبنان به نظر می‌رسد و شایسته است مواردی مورد توجه قرار گیرد. اجمالا باید بدانیم چرا به اینجا رسیدیم؟ می‌دانیم به تدریج جمهوری اسلامی پس از جنگ برای دفاع از نظام سیاسی و ایران پنج کار را انجام داده است:

- ۱- کسب رضایت مردم پس از جنگ از طریق بازسازی خرابی‌ها و احترام به شهروندان (این مسیر تا سال ۸۴ ادامه داشت، پس از آن سیاست بازدارندگی، سیاست توسعه کشور را به حاشیه برد و توازن میان «میدان» و «دیپلماسی» به نفع «میدان» تمام شد و متأسفانه این خطای راهبردی پرنصری بود).
- ۲- تقویت صنعت هسته‌ای.
- ۳- تقویت توان موشکی و پهپادی.
- ۴- تقویت شبکه مقاومت در دو دهه اخیر که محور اصلی آن حزب الله لبنان است.
- ۵- تقویت نیروهای انتظامی در داخل برای کنترل اعتراضات شهری.

اما در شرایط فعلی به کجا رسیدیم؟

- ۱- به خاطر کندی در توسعه کشور، جامعه ایران را با انواع بحران‌ها و ناترازی‌ها و نارضایتی‌ها روبه‌رو کردیم.
- ۲- از پنج محور فوق، محور چهارم یا یکی از ارکان محور مقاومت، یعنی حزب الله، ضربه خورده است و دولت اسرائیل روحیه گرفته است و قصد دارد به بقیه ارکان مقاومت که در رأس آن ایران است ضربه بزند.
- ۳- در دو دهه گذشته مجموعه نظام در کسب رضایت مردم، موفق نبوده است. الان، شکاف میان دولت و ملت جدی است و اوضاع مثل دهه شصت نیست. این خطاست که عده‌ای به این ویژگی شکاف توجه نکنند و بخواهند دهه شصت را احیا کنند و مثلاً شعار «جنگ جنگ تارفع فتنه از جهان» را بدهند.
- ۴- اگر بحران اقتصادی موجود در شرایط جنگی تشدید شود، عنصر پنجم هم ضعیف می‌شود. یعنی، ایران از یک طرف با دشمن نسل‌کش اسرائیل-آمریکا روبه‌روست و از طرفی دیگر، در صورت تضعیف همین نیروهای امنیتی (خدایی ناکرده به خاطر حملات هوایی و الکترونیکی دشمن) احتمال بروز اعتراضات کور شهری (نه اعتراضات صنفی و مدنی) وجود دارد که این از قدرت‌نیروهای امنیتی می‌کاهد.

عکس: آرش خاموشی / هم میهن